



بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجتماع بزرگ مردم قزوین - 25 / آذر / 1382

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين. و الصلاة والسلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الأطيبين الأطهرين المنتجبين. الهداة المهديين المعصومين. سيما بقیة الله فى الأرضين.

خداوند متعال را شاکرم که توفیق دیدار این شهر تاریخی و کهن و شما مردم متدین و انقلابی و خونگرم را به بنده عنایت کرد.

مردم قزوین را، چه در قضایای انقلاب و چه در همه حوادث بعد از انقلاب، مجموعه ای از انسانهای وفادار و مؤمن یافتیم؛ مردمی متدین، دارای مناعت طبع، فداکار، سخاوتمند، اهل شرکت در کارهای بزرگ و کارهای خیر. این مطالب، حقیقت مردم قزوین از دیرزمان است؛ مخصوص دوره خاصی نیست. وقتی به تاریخ مراجعه می کنیم، مناقب قزوین و منطقه قزوین و اهل قزوین را به صورت چشمگیری مشاهده می کنیم؛ اینها اهمیت دارد. فرق است بین ملتی که دارای پیشینه تاریخی و فرهنگی است و در تاریخ ریشه دارد، با ملتی که هیچ ریشه ای در تاریخ ندارد؛ هیچ سابقه و سلسله نسب فرهنگی ای ندارد. ملت بزرگ ایران با همین سابقه هایی که نمونه آن را در شهر کهن و پُرعمق شما مشاهده می کنیم، توانسته است در میان ملت‌های دنیا به عنوان يك ملت ریشه دار و کهن معرفی شود. من وقتی به گذشته قزوین نگاه می کنم، می بینم هزار سال پیش يك جغرافیدان معروف دنیای اسلام - «مقدسی» - که از شهر قزوین بازدید کرده است، این شهر را مرکز فقه و فلسفه معرفی می کند. نهمصد سال قبل از این، شخصیت دانشمند معروفی مثل «عبدالجلیل قزوینی» از این شهر برخاسته است. «النقض» عبدالجلیل قزوینی رازی امروز در دست متکلمین و صاحبان فکر و اندیشه، یکی از کتابهای معتبر و جالب توجه است. هشتصد سال پیش، دانشمندی درباره قزوین کتابی نوشته است به نام «التدوین» که سه جلد است. در آن تاریخ، سه جلد کتاب شرح حال شخصیت‌های علمی و فرهنگی و دینی و سیاسی قزوین را تهیه کرده است. این سوابق، خیلی حائز اهمیت است. آن زمان که خیلی از شهرهای ایران روستای کوچکی بود یا اصلاً نبود، در قزوین آن قدر عالم و شخصیت و چهره معروف وجود داشت که سه جلد کتاب «التدوین» درباره شرح حال اینهاست. هفتصد سال پیش، يك شخصیت برجسته و يك مورخ بزرگ مثل «حمدالله مستوفی» از این شهر برخاسته است. هفتصد سال پیش، يك شاعر بزرگ مثل «عبید زاکانی» از این شهر برخاسته است. چهارصد و پنجاه سال قبل، مرکز سیاسی این کشور بزرگ، قزوین بوده است. در جایی خواندم که نتیجه آنچه از مطالعات مربوط به قزوین و استان قزوین به دست می آید، این است که به قدری از این شهر شخصیت‌های برجسته، از فقیه و حکیم و طبیب و ریاضیدان و مورخ و هنرمند برخاسته که اگر کسی بخواهد اسم همه آنها را بگوید، اقلاً دو سه ساعت وقت لازم است! شما جوانان اهل قزوین، شما دختران و پسرانی که در این فضای اقلیمی و فرهنگی تنفس و رشد می کنید، به این سابقه کهن تکیه کنید. من خودم از دوران جوانی و طلبگی، به مناسبت وجود دو استاد بزرگ در حوزه علمیه مشهد، با نام قزوین و قزوینی آشنا شدم: شخصیت برجسته مرحوم «حاج شیخ هاشم قزوینی» و شخصیت ممتاز مرحوم «حاج شیخ مجتبی قزوینی» دو ستاره درخشان در حوزه علمیه مشهد که ما از دوران جوانی و نوجوانی نگاهمان به این دو چهره ارزشمند بود. نام قزوینی در ذهن طلبه مشهدی، به برکت وجود این دو شخصیت بزرگوار، يك نام درخشان و همراه با افتخار تلقی شده است. این دو نفر - بخصوص مرحوم حاج شیخ مجتبی - جزو ارادتمندان و شاگردان يك شخصیت برجسته دیگر قزوینی یعنی مرحوم «سید موسی زرابادی» بودند. شخصیت عظیمی که در همین شهر، مرکز پرتوفشانی معنوی و سلوکی و عرفانی به شعاع وسیعی از طلاب و جویندگان معرفت محسوب می شد. قبل از دوره ما هم علمای بزرگ فراوانی از این شهر برخاسته اند: «شهید ثالث» که مقبره او همین جاست؛ مرحوم



«ملا محمد تقی برغانی» و برادر او «ملا محمد صالح برغانی»؛ فقهای مبارز، نه فقهای گوشه گیر، نه آدمهای منزوی؛ مردان دین که به سرنوشت مردم می اندیشیدند؛ برای آنها مبارزه می کردند و جان خود را هم در این راه فدا می کردند.

وقتی به دوره انقلاب نگاه می کنید، می بینید همه کشور شهدای بزرگی تقدیم کردند؛ اما چهره شهدا و برجستگان و ایثارگران قزوینی ممتاز است؛ مثل شهید «رجایی». در انقلاب، ما مثل شهید رجایی کم داریم. در میان رزمندگان - چه ارتش و چه سپاه - شهید «بابایی» یک انسان بزرگ و یک چهره ماندگار و فراموش نشدنی است. در میان آزادگان، معلم معنوی آنها، مرحوم «ابوترابی» هم از این نمونه هاست. من این سه چهره برجسته را از نزدیک می شناختم؛ با خصوصیاتشان آشنا بودم و می دانم اینها چقدر ممتاز بودند؛ اینها شهدای قزوینند. شهر قزوین دو هزار، و استان قزوین نزدیک سه هزار شهید دارد. اینها افتخارات مردم قزوین است. درباره مردم قزوین، از قرنهای پیش کسانی گفته اند اینها مردمی هستند دیندار، بلندهمت، با مناعت، سخاوتمند و قانع.

بعد از انقلاب، نگاه به همه مناطق کشور - از جمله قزوین - نگاه ویژه ای بوده و با دورانهای گذشته متفاوت بوده است؛ نگاه خدمت رسانی. خدای متعال از امکانات طبیعی به مردم این منطقه بسیار داده است. همان طور که امام جمعه محترم اشاره کردند، این استان دارای خاک و استعداد کشاورزی و دشت پربرکت است. آنها را هم باید مهار کرد. مقداری کار کرده اند، مقداری دیگر هم باید تلاش و کار کنند. مردم قزوین مثل بقیه مناطق کشور از حکومت و مسؤولان توقعاتی دارند؛ توقعاتشان بجا هم هست و باید به آنها عمل شود.

من در همه سفرها قبل از ورود به هر شهری، نظرات مردم را از راه نظرخواهی و جستجو و گفتگو، چه با مسؤولان و چه با آحاد مردم به دست می آورم. وقتی از مردم قزوین درباره انتظاراتشان از دولت سؤال می کنند، همان پاسخی را می دهند که در بسیاری از مناطق دیگر کشور هم پاسخ همین است. انتظارات مردم، رفع مشکلات اقتصادی، رفع مشکلات مربوط به جوانان - مسأله تحصیل و مسکن و ازدواج و بیکاری - رفع مسائل مربوط به گرانی و برطرف شدن مسائل مربوط به عمران شهری و روستایی است. انتظار از مسؤولان این است که به اندازه توان خود و امکانات کشور به نیازهای مردم برسند. این انتظار بجاست و من هم آن را تأیید می کنم. یکی از دلایل سفر ما به مناطق و شهرهای مختلف همین است. مقصود این است که با رفتن به هر شهر و استانی، مسائل آن شهر و استان یک بار دیگر با تفصیل و جزئیات برای مسؤولان کشور مطرح شود. مسؤولان در حال خدمتگزاری اند و قصد خدمتگزاری دارند. باید به آنها کمک کرد تا بتوانند این خدمات را هرچه بیشتر و سریعتر کنند.

البته در بین پاسخهایی که مردم به سؤال کننده های قبل از سفر ما داده اند، این هم هست که به مسؤولان - بخصوص مسؤولانی که در رابطه با این منطقه هستند - از طرف ما تذکر داده شود و به پیگیری کارها نصیحت شوند، که البته این کار را هم می کنیم. من در این چند روزی که در استان و شهر قزوین هستم، با مسؤولان و جهات مختلف تماس دائمی خواهم داشت و امیدوارم بسیاری از تذکرات و نصایح و حرفهایی که باید گفته شود، به مسؤولان گفته شود. آنچه می خواهم به همه شما عزیزان و برادران و خواهران و فرزندان خودم عرض کنم، چند نکته است:

نکته اول این است که در کشور ما - بخصوص در سطوح بالای مسؤولیت - نیت، خدمت به مردم است. البته توان همه مسؤولان یکسان نیست. ممکن است بعضی توان و امکان بیشتر و بعضی کمتر داشته باشند؛ ولی همه می خواهند خدمت کنند. مهم این است که نظام جمهوری اسلامی بر پایه خواست و میل و گرایش و محبت مردم بنا شده است. مردم، مسؤولان کشور را با اراده خودشان انتخاب کرده اند. در صحنه آزمون هم نگاه می کنند، عملکرد مسؤولان را می بینند، قضاوت می کنند و ترتیب اثر می دهند.

نکته دوم این است که نظام جمهوری اسلامی و کشور عزیز و بزرگ و غنی طبیعی ما در تحولات جهانی، هم با فرصتهایی مواجه است، هم با تهدیدهایی. ما فرصتهای زیادی در پیش روی خود داشتیم و داریم. برای مسؤولان



مهمترین مسأله این است که از همه فرصتهایی که پیش می آید، با حفظ عزت ملی، برای پیشرفت کشور - هم از لحاظ مادی و هم از لحاظ معنوی - استفاده کنند. هدف جمهوری اسلامی فقط این نیست که با ارقام و اعداد، تولید ناخالص ملی را در مجموع رقم بالایی نشان دهد؛ این کافی نیست. ما معتقدیم در کشور باید عدالت باشد و ثروت ملی میان همه مردم تقسیم شود. این آرزوی بزرگ ماست و برای آن تلاش و مبارزه می کنیم.

فلسفه نظام جمهوری اسلامی این است که بتواند همچنان که اسلام از مسؤولان، انسانها و ملتها خواسته است، در میان مردم، هم عدالت، هم اخلاق، هم معنویت و هم رفاه مادی را به وجود آورد. این کار، مقدس و بسیار بزرگ و البته دشوار است. همه تلاش جمهوری اسلامی در طول بیست و پنج سال گذشته برای این بوده است که به این مقصود دست پیدا کند.

کسانی که راه را عوضی بروند و عدالت را ندیده بگیرند، اشتباه می کنند. کسانی که معنویت را ندیده بگیرند، اشتباه می کنند. کسانی که شایسته سالاری را ندیده بگیرند، اشتباه می کنند. کسانی که مردمی بودن مسؤولان را فراموش کنند، اشتباه می کنند. راه از این جهت دشوار است و حرکت در این راه از این جهت با موانع بزرگ مواجه است که در آن باید همه این معیارها رعایت شود.

ما نمی توانیم دل خود را خوش کنیم به این که چیزی بگوییم و چند صباحی را در مسند مسؤولیت - یا به تعبیر رایج، در مسند قدرت - باقی بمانیم؛ اما فکر حال و آینده کشور و فکر رشد مادی و معنوی ملت را نکنیم؛ این نمی شود. نظام اسلامی از مسؤول می خواهد خود را در مقابل خدا ببیند. این که مردم خدمت او را بفهمند یا نفهمند، از او تشکر بکنند یا نکنند، در درجه بعد باشد. در درجه اول، مسؤول باید احساس کند در مقابل خدای متعال برای خدمت به مردم و استقرار عدالت در میان آنها مسؤول است. محاسبه ما این طور نشان می دهد که نظام جمهوری اسلامی در طول بیست و پنج سال گذشته در این راه پیشرفتهای زیادی کرده است. نمی گوییم تماماً به هدفهای خود رسیده ایم؛ نه. باز هم باید حرکت و تلاش کنیم؛ اما می گوییم و ادعا می کنیم که در این راه، نظام جمهوری اسلامی پیشرفت کرده است.

امروز اعتماد به نفس و امید ملت ایران از همه دوره های گذشته بیشتر و چشمش بازتر است. امید و نشاط در میان ملت بزرگ ایران یکی از دستاوردهای اسلام و انقلاب است. این را ما قدر می دانیم و مغتنم می شماریم و برای پیشرفت در این راه تلاش می کنیم.

یکی از مسائلی که برای مردم ما بسیار مهم است و از مسائل جاری امسال ماست و من باید روی آن تکیه کنم، مسأله انتخابات آینده است. انتخابات آینده، مثل همه انتخابات دوران بیست و پنج سال گذشته، در زمان خود مهمترین مسأله کشور است. انتخابات اگر به صورت مطلوب انجام گیرد، آینده را تضمین و امنیت کنونی را هم تأمین می کند. انتخابات مطلوب کدام است؟ انتخابات مطلوب انتخاباتی است که سالم، آزاد و طبق قانون برگزار شود؛ انتخاباتی که مردم با شور و نشاط در آن شرکت کنند؛ انتخاباتی که به عنوان وظیفه دینی، همه مردم خود را موظف به برگزاری باشکوه آن بدانند. این انتخابات می تواند به معنای حقیقی کلمه، مجلسی مطلوب برای کشور تدارک ببیند.

مجلس جایگاه بسیار مهمی است؛ خانه ملت است؛ تجلیگاه عزت ملی ماست؛ می تواند عزت اسلامی و عزت ملی ما را به دنیا نشان دهد؛ تأمین کننده منافع عمومی است. با قوانین مجلس است که مسؤولان می توانند حرکت کنند و پیش بروند. مجلس می تواند حافظ امنیت ملی باشد؛ می تواند سد مستحکمی در برابر تعرض دشمنان و طمع ورزی بیگانگان باشد. خصوصیات یک مجلس مطلوب این است. وقتی مردم در انتخابات شرکت کنند و با چشم باز و با بصیرت، کسی را که شرایط لازم را در او می بینند، انتخاب کنند و به مجلس بفرستند، مجلس خواهد توانست چنین نقش بزرگی را ایفا کند. مجلس - همان طور که امام فرمودند - عصاره فضایل ملت است. وقتی مردم



در انتخابات بیشتر شرکت کنند، کارآمدی و اعتبار مجلس بیشتر می شود و توان خدمت رسانی پیدا می کند. درباره انتخابات و مجلس، سخن زیاد است. من امروز به همین اندازه اکتفا می کنم و فقط این نکته را می گویم: نماینده ای که به مجلس می فرستید، باید این خصوصیات را داشته باشد تا بتواند خواسته های شما را تحقق ببخشد. نماینده باید متدین باشد؛ انسانهای متدین می توانند مورد اعتماد قرار گیرند. نماینده باید انقلابی باشد؛ روحیه و نشاط و امید و قوت و روحیه انقلابی در او وجود داشته باشد تا بتواند راههایی را که به نظر بن بست می رسد، بشکافد و پیش برود. نماینده باید خدوم، امتحان داده، با کفایت، برنامه دار، خوشنام و جوانگرا باشد و به جوانان اعتقاد داشته باشد. چنین افرادی در هر جای کشور حضور دارند، باید خود را موظف بدانند و بروند نامزد شوند. در این چند روزی که از مهلت ثبت نام نامزدهای انتخابات باقی مانده، وظیفه وجدانی و اسلامی و میهنی هر کسی که خود را دارای این خصوصیات می داند، این است که برود داوطلب شود و به صحنه انتخابات بیاید. اگر بعد دیدند افراد با صلاحیت تر از آنها هستند، می توانند کنار بروند؛ لیکن الان باید به صحنه بیایند. مردم چنین افرادی را هر جا دیدند، باید از آنها بخواهند که بروند نامزد شوند. صلاح و آینده کشور به این است که انتخابات، پرشور و با علاقه و حضور قاطبه ملت برگزار شود.

البته نگاه و احساس من این است که به توفیق الهی، مردم این انتخابات را هم علی رغم میل دشمنان، بسیار بزرگ و با شکوه برگزار خواهند کرد. البته دشمنان کشور و ملت ما نمی خواهند انتخابات خوبی در کشور برگزار شود. همیشه همین طور بوده است. در اغلب انتخابها، دشمنان ما همه تلاش خود را به کار می گرفتند تا شاید انتخابات با گرمی و پرشور برگزار نشود. بعضی از وابستگان به دشمنان هم در داخل از طرق مختلف سعی می کردند مردم را از حضور در پای صندوقهای رأی منصرف کنند. البته الان چون فضای عمومی کشور میل به انتخابات است و همه مسؤولان کشور متفق الکلمه مردم را به حضور در انتخابات دعوت کرده اند، جرأت نمی کنند. از فضای عمومی و افکار عمومی می ترسند صریحاً بگویند در انتخابات شرکت نکنید؛ اما بدانید مخالفان این کشور، دشمنان این ملت، دشمنان بهروزی ایران، دشمنان پیشرفت و ترقی ملت ایران و دشمنان نظام جمهوری اسلامی هرچه بتوانند، انجام می دهند تا مردم را از حضور در صحنه انتخابات مجلس شورای اسلامی و هر صحنه دیگری باز بدارند. تا امروز نتوانسته اند؛ به حول و قوه الهی در آینده هم نخواهند توانست.

برای ملت ما، بخصوص جوانان ما، بسیار مهم است که به شعارهای انقلاب نگاه کنند؛ موضعگیریهای نظام جمهوری اسلامی را مورد مطالعه و مذاقه قرار دهند و بعد نگاهی به فضای عمومی جهان بیندازند. اگر نگاه کنید، خواهید دید که در مقابل تعجب دشمنان، حرف جمهوری اسلامی و ندای انقلاب اسلامی بتدریج مورد قبول مردم دنیا قرار می گیرد. خیلی حرفها را ما بیست سال قبل می گفتیم و این ملت شعارش را می داد؛ اما امروز همان حرفها را دنیا به رأی العین می بیند. از بیست و پنج سال قبل این ملت با صدای بلند اعلام می کرد امریکا جهانخوار و متجاوز و دنبال دست اندازی به ملتهاست؛ تبلیغات رسانه ای قوی دستگاہهای استکباری وابسته به امریکا هم دم از دموکراسی و آزادیخواهی و حقوق بشر می زدند؛ اما بسیاری در کشورهای اسلامی نمی توانستند بفهمند این سخن انقلاب و نظام اسلامی به چه معناست؛ ولی امروز با مشاهده موضعی که امریکا در مسائل دنیا اتخاذ می کند، همه این را قبول می کنند و باور دارند. نادیده گرفتن حقوق ملتها، بی ارزش دانستن مرزهای جغرافیایی ملتها، برای خود این حق را قائل شدن که به بهانه منافع نامشروع به هر جای دنیا دست اندازی کنند - به خلیج فارس، اقیانوس هند، کشورهای خاورمیانه، کشورهای آسیا، در خود اروپا - امروز مردم دنیا اینها را می بینند؛ این همان حرف انقلاب اسلامی و حرف ملت ایران است.

امروز در خیابانهای بغداد و دیگر شهرهای عراق، در مناطق مختلف افغانستان، در بسیاری از نقاط دیگر دنیا، این چهره خشن پوشیده شده از بزک تبلیغاتی، واقعیت خود را نشان می دهد و مردم دنیا آن را می بینند. بیست و پنج



سال است که ملت ایران علیه اسرائیل شعار داده است. بارها ملت ایران در شعار خود گفته است به ندای صلح طلبانه ریاکارانه صهیونیستها اعتماد نکنید. امروز همه دنیای عرب و دنیای اسلام صحنه فاجعه بار فلسطین را در مقابل خود می بینند. امروز که سردمداران دولت غاصب صهیونیستی همه قرار و مدارهایی را که با کشورهای عربی و طرفهای فلسطینی گذاشته بودند، زیر پای خود لگد کرده اند؛ به همه بی اعتنایی کرده اند و به هیچکدام از التزامهای بین المللی هم اعتنایی نمی کنند، بقیه ملتها به حرف ملت ایران می رسند. در دوران جنگ تحمیلی - که هشت سال ملت ایران را مشغول کردند - و بعد از جنگ تحمیلی، ملت ایران شعار می داد و فریاد می زد که این صدام بعثی، یک وجود مفسد و یک حیوان وحشی در لباس انسان است؛ اما همین امریکاییها که امروز بدگویی صدام را می کنند و از دستگیری او خوشحال شده اند، با صدام دست می دادند؛ روابط دوستانه برقرار و به او کمک می کردند! همین وزیر دفاع کنونی امریکا در بغداد با صدام ملاقات کرد و به او قول کمک داد. به صدام کمک کردند تا بتواند ایران اسلامی را مورد فشار قرار دهد. خیلی از کشورهای عربی و خیلی از کشورهای منطقه، باطن این موجود ددمنش را نمی شناختند؛ اما ملت ایران در میدانهای جنگ، در بمبارانها و موشکبارانهای ظالمانه، در حلبچه و آبادان و دزفول، این گرگ خونخوار و دستپاران خونخوار او را آزموده بود و به دنیا می گفت. امروز دنیا این حقایق را می فهمد. این سخن حق ملت ایران است که امروز برای دنیا آشکار شده است.

عزیزان من! دنیا و تاریخ، سرشار از عبرتهاست. امروز وضع صدام حسین ظالم فتاک مستکبر متکبر به جایی می رسد که در یک دخمه زندگی می کند و برای جان پلید و ننگین خود حاضر است هر ننگی را تحمل کند. امروز که او دستگیر می شود، دنیای اسلام و کسانی که می دانند این حیوان درنده چه بوده است، احساس خشنودی می کنند. ملت ایران - بخصوص خانواده های شهدا - هم از خبر دستگیری صدام بسیار خرسند و خوشحال شدند. البته ملت عراق از دست این گرگ خونخوار رنجهای زیادی کشیده و حالا به ظاهر از دست او خلاص شده است. شنیدم رئیس جمهور امریکا خطاب به صدام گفته است دنیا بدون صدام خیلی بهتر است. من می خواهم به رئیس جمهور امریکا بگویم دنیای بدون «بوش» و «شارون» هم بسیار بهتر است!

کسانی که خیال می کنند قدرت آنها دائمی و ابدی است، به صدام حسین و محمد رضا پهلوی و حکومت شوروی سابق نگاه کنند؛ ببینند چگونه قدرتهای پوشالی یک پندار محض است و چطور خدای متعال با دست قدرت خود، این قدرتهای پوشالی را نابود می کند و از بین می برد؛ مثل این که در دنیا نبوده اند!

امروز کسانی که با نام دمکراسی و حقوق بشر، دیکتاتورانه و مستبدانه بر دنیای بشریت حکمرانی می کنند - مثل رئیس جمهور امریکا - و کسانی که بدون این که کمترین حقی در سرزمینی داشته باشند، مردم آن سرزمین را زیر فشار وحشیانه قرار می دهند - مثل سردمداران صهیونیست که صاحبان خانه، یعنی مردم فلسطین را این طور مورد زجر و شکنجه و قتل و کشتار و سرکوب قرار می دهند - بدانند آنها هم عاقبتی بهتر از صدام نخواهند داشت. ملتها بیدار شده اند. امت اسلامی روزبه روز بیدارتر می شود. امیدهای امت اسلامی، امیدهای خوبی است. افق، روشن است و ملت ایران به فضل پروردگار همچنان پیشتاز این صحنه است و به حول و قوه الهی با رفتار و حرکت خود خواهد توانست برای ملت‌های دیگر یک الگوی زنده و قابل تقلید ارائه دهد.

بنده از همه شما برادران و خواهران و مردم خونگرم و مؤمن و مهربان قزوین خیلی تشکر می کنم؛ از استقبالی که امروز نشان دادید؛ از محبت‌های پُر شور و خالصانه ای که نظیر آن را در میان ملت‌های دیگر هیچ کس سراغ نداده است. این فقط مخصوص جمهوری اسلامی ماست که بین مسؤولان و مردم پیوند محبت با این شدت و خلوص برقرار است. من از خدای بزرگ می خواهم ما را لایق این محبت‌ها کند.

از خدای بزرگ می خواهم به من و همه مسؤولان کشور توفیق خدمتگزاری روزافزون به این ملت را عطا کند. از خدای بزرگ می خواهم این ملت را در همه میدانها سرافراز و سرپلند کند. از خدای بزرگ می خواهم شما جوانان و شما



دفتر مقام معظم رهبری
www.leader.ir

مردم مؤمن و پُرسابقه قزوين را از فضل و رحمت و نعمت خود - آن چنان که شايسته آن هستيد - برخوردار کند.
پروردگارا! دشمنان اين ملت را منکوب و نااميد کن. پروردگارا! اين ملت را در همه ميدانها پيروز کن.
والسّلام عليكم و رحمة الله و بركاته